

آیا مخترعان و مکتشفان پاداش الهی دارند؟

۵ دی ۱۳۹۴ ساعت ۱۷:۴۵

با مطالعه تاریخ علوم و اختراعات و اکتشافات می بینیم که جمعی از دانشمندان بشر، سالیان دراز زحمات طاقت فرسایی کشیده اند و انواع محرومیتها را تحمل کرده تا بتوانند اختراع و اکتشافی کنند که باری از دوش هموعانشان بردارند.

به عنوان مثال «ادیسون» مخترع برق زحمات جانکاهی برای این اختراع پربار متحمل شد و شاید جان خود را در این راه نیز از دست داد، اما دنیایی را روشن ساخت، کارخانه ها را به حرکت درآورد و از برکت اختراعش، چاههای عمیق، درختان سرسبز، مزارع آباد به وجود آمد و در مجموع چهره دنیا دگرگون شد. چگونه می توان باور کرد او یا اشخاص دیگری همچون «پاستور» که با کشف میکرب، میلیونها انسان را از خطر مرگ رهایی بخشید.

از نظر جهان بینی اسلام مطالعه نفس عمل به تنهایی کافی نیست، بلکه عمل به ضمیمه، محرک و انگیزه آن ارزش دارد. بسیار دیده شده کسانی بیمارستان یا مدرسه یا بنای خیر دیگری می سازند و تظاهر به این هم دارند که هدفشان صددرصد خدمت انسانی است به جامعه ای که به آن میبندند، در حالی که زیر این پوشش مطلب دیگری نهفته شده است و آن حفظ مقام یا مال و ثروت یا جلب توجه عوام و تحکیم منافع مادی خود و یا حتی دست زدن به خیانتهایی دور از چشم دیگران است! ولی به عکس ممکن است کسی کار کوچکی انجام دهد، با اخلاص تمام و انگیزه ای صددرصد انسانی و روحانی . اکنون باید پرونده این مردان بزرگ را، هم از نظر عمل، هم از نظر انگیزه و محرک، مورد بررسی قرار داد و مسلماً از چند صورت خارج نیست:

الف: گاهی هدف اصلی از اختراع صرفاً یک عمل تخریبی است (همانند کشف انرژی اتمی که نخستین بار به منظور ساختن بمبهای اتمی صورت گرفت) سپس در کنار آن منفعی برای نوع انسان نیز به وجود آمده که هدف واقعی مخترع یا مکتشف نبوده و یا در درجه دوم قرار داشته است، تکلیف این دسته از مخترعان کاملاً روشن است .

ب: گاهی مخترع یا مکتشف، هدفش بهره گیری مادی و یا اسم و آوازه و شهرت است و در حقیقت، حکم تاجری دارد که برای درآمد بیشتر تأسیسات عام المنفعه ای به وجود می آورد و برای گروهی ایجاد کار و برای مملکتی محصولاتی به ارمغان می آورد، بی آنکه هیچ هدفی جز تحصیل درآمد داشته باشد و اگر کار دیگری در آمد بیشتری داشت به سراغ آن می رفت. البته چنین تجارت یا تولیدی اگر طبق موازین مشروع انجام گیرد، کار خلاف و حرامی نیست، ولی عمل فوق العاده مقدسی هم محسوب نمی شود. از اینگونه مخترعان و مکتشفان در طول تاریخ کم نبودند و نشانه این طرز تفکر همان است که اگر ببینند آن درآمد یا بیشتر از آن از طرقی که مضرّ به حال جامعه است تامین می شود (مثلاً در صنعت داروسازی بیست درصد سود می برند و در هروئین سازی ۵۰ درصد) این دسته خاص، دومی را ترجیح می دهند. تکلیف این گروه نیز روشن است آنها هیچگونه طلبی نه از

خدا دارند و نه از همنوعان خویش و پاداش آنها همان سود و شهرتی بوده که می خواسته اند و به آن رسیده اند .

ج: گروه سومی هستند که مسلماً انگیزه های انسانی دارند و یا اگر معتقد به خدا باشند انگیزه های الهی و گاهی سالیان دراز از عمر خود را در گوشه آزمایشگاه ها با نهایت فلاکت و محرومیت به سر می برند به امید اینکه خدمتی به نوع خود کنند و ارمغانی به جهان انسانیت تقدیم دارند، زنجیری از پای دردمندی بگشایند و گرد و غباری از چهره رنج دیده ای بیفشانند. اینگونه افراد اگر ایمان داشته باشند و محرک الهی، که بحثی در آنها نیست و اگر نداشته باشند اما محرکشان انسانی و مردمی باشد بدون شک پاداش مناسبی از خداوند دریافت خواهند داشت. این پاداش ممکن است در دنیا باشد و ممکن است در جهان دیگر باشد. مسلماً خداوند عالم عادل آنها را محروم نمی کند، اما چگونه و چطور؟ جزئیاتش بر ما روشن نیست، همین اندازه می توان گفت «خداوند اجر چنین نیکوکارانی را ضایع نمی کند» (البته اگر آنها در رابطه با عدم پذیرش ایمان مصداق جاهل قاصر باشند مسأله بسیار روشنتر است).

دلیل بر این مسأله علاوه بر حکم عقل، اشاراتی است که در آیات و یا روایات آمده است . ما هیچ دلیلی نداریم که جمله «آن الله لایضیع اجر المحسنین» شامل این گونه اشخاص نشود، زیرا محسنین در قرآن فقط به مؤمنان اطلاق نشده است، لذا می بینیم برادران یوسف هنگامی که نزد او آمدند بی آنکه او را بشناسند و در حالی که او را عزیز مصر می پنداشتند به او گفتند «انا نراک من المحسنین؛ ما ترا از نیکوکاران می دانیم».

از این گذشته آیه «فمن يعمل مثقال ذره خیراً یره و من يعمل مثقال ذره شراً یره؛ هرکس به اندازه سنگینی ذره ای کار نیک کند آن را می بیند و هرکس به مقدار ذره ای کار بد کند آن را خواهد دید» به وضوح شامل اینگونه اشخاص می شود . در حدیثی از علی بن یقطین از امام کاظم (علیه السلام) می خوانیم: «در بنی اسرائیل مرد با ایمانی بود که همسایه کافری داشت. مرد بی ایمان نسبت به همسایه با ایمان خود نیک رفتاری می کرد. وقتی که از دنیا رفت خدا برای او خانه ای بنا کرد که مانع از گرمای آتش شود و به او گفته شد این به سبب نیک رفتاریت نسبت به همسایه مؤمنت می باشد».

نیز از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) درباره عبدالله بن جدعان که از مشرکان معروف جاهلیت و از سران قریش بود چنین نقل شده: «کم عذابترین اهل جهنم این جدعان است، سؤال کردند یا رسول الله چرا؟ فرمود: انه کان یطعم الطعام؛ او گرسنگان را سیر می کرد». در روایت دیگری می خوانیم که پیامبر (صلی الله علیه وآله) به عدی بن حاتم (فرزند حاتم طائی) فرمود: دفع عن ابیک العذاب الشدید بسخاء نفس؛ خداوند عذاب شدید را از پدرت به خاطر جود و بخشش او برداشت».

در حدیث دیگری از امام صادق (علیه السلام) می خوانیم: که گروهی از یمن برای «بحث و جدال» خدمت پیامبر (صلی الله علیه وآله) آمدند و در میان آنها مردی بود که از همه بیشتر سخن می گفت و خشونت و لجاجت خاصی در برابر پیامبر (صلی الله علیه وآله) می نمود، پیامبر (صلی الله علیه وآله) آنچنان خشمگین شد که آثارش در چهره مبارکش کاملاً آشکار گردید. در این هنگام جبرئیل آمد و پیام الهی را این چنین به پیامبر (صلی الله علیه وآله) ابلاغ کرد: خداوند می فرماید این مردی است سخاوتمند. پیامبر با شنیدن این سخن خشمش فرو نشست، رو به سوی او کرد و فرمود: پروردگار به من چنین پیامی داده است و اگر به خاطر آن نبود آنچنان بر تو سخت می گرفتم که عبرت دیگران گردی. آن مرد پرسید آیا پروردگارت سخاوت را دوست دارد؟ فرمود: بلی. عرض کرد: من شهادت می دهم که معبودی جز «الله» نیست و تو رسول و فرستاده او هستی و به همان خدایی که تو را مبعوث کرده سوگند که تاکنون هیچکس را از نزد خود محروم برنگردانده ام».

در اینجا این سؤال پیش می آید که هم از بعضی آیات و هم از بسیاری از روایات استفاده می شود که ایمان و یا حتی ولایت شرط

قبولی اعمال و یا ورود در بهشت است، بنابراین اگر بهترین اعمال هم از افراد فاقد ایمان سر بزند مقبول درگاه خدا نخواهد بود. ولی می توان از این سؤال چنین پاسخ گفت که مسأله «قبولی اعمال» مطلبی است و پاداش مناسب داشتن مطلب دیگر. به همین جهت مشهور در میان دانشمندان اسلام این است که مثلاً نماز بدون حضور قلب و یا با ارتکاب بعضی از گناهان مانند غیبت، مقبول درگاه خدا نیست، با اینکه می دانیم چنین نمازی شرعاً صحیح است و اطاعت فرمان خدا است و انجام وظیفه محسوب می شود و مسلم است که اطاعت فرمان خدا بدون پاداش نخواهد بود. بنابراین قبول عمل همان مرتبه عالی عمل است و در مورد بحث می توان بیان داشت که اگر خدمات انسانی و مردمی با ایمان همراه باشد، عالیتترین محتوا را خواهد داشت، ولی در غیر این صورت به کلی بی محتوا و بی پاداش نخواهد بود، در زمینه ورود در بهشت نیز همین پاسخ را می توان بیان داشت که پاداش عمل لازم نیست منحصرأ ورود در جنت باشد.

منابع:

۱- قرآن کریم، سوره یوسف: آیه ۹۰.

۲- قمی، سفینه البحار، ج ۲: ۶۰۷.

۳- علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳: ۳۷۷؛ ج ۲: ۶۰۷.

۴- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰: ۳۱۳.

۵- مکارم شیرازی، یکصد و هشتاد پرسش: ۱۵۳-۱۵۴.

منبع: قدس آنلاین

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۲۲۶۹/آیا-مخترعان-آیا>